

## تأثیر بهشت های مالیاتی بر اقتصاد ملی و تجارت بین المللی

فتح الله رحیمی<sup>۱</sup>، سیما حاتمی<sup>۲</sup>

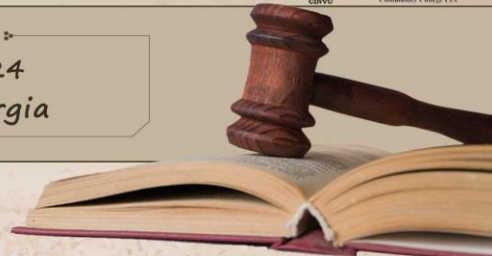
۱-دکترای حقوق بین الملل و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۲-دکتری زبان انگلیسی و دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی واحد تهران شمال

### چکیده

علیرغم تلاشهای اخیر دولتها و سازمانهای بین المللی در حوزه مبارزه با فساد بین المللی، بهشت های مالیاتی همچنان بعنوان مشکل بالقوه بزرگ شناخته می شوند. برخی مدافعان مقابله با فساد، به دنبال ابزارهای قانونی جدید برای حل این معضل بزرگ جهانی می باشند. با توجه به اینکه استفاده از بهشت های مالیاتی توسط اشخاص و شرکتهای برای جابجایی سود و جلوگیری از پرداخت مالیات توسط سیستم تجارت جهانی آزاد، امکانپذیر است، بنظر می رسد بررسی اینکه اصولاً نظام های حقوقی ملی و بین المللی، باید چه تدابیری برای ممانعت از حدوث این رویداد مالی مؤثر بر رشد اقتصاد جهانی و مانع توسعه اثربخش بشری در حوزه های مربوط به رفاه و آسایش و زندگی بهتر اتخاذ نمایند. البته بنظر می رسد در وضعیت فعلی تجارت بین المللی و فعالیتهای اقتصادی، شفافیت عملکرد سیستم های بانکی و گمرکات و رویکرد نظامهای حقوقی ملی به مبارزه فعالانه در مقابل این پدیده از طریق تنظیم گری مقررات و همچنین اجرای صحیح تعهدات قانونی توسط دولتها و نظارت بهینه بین المللی در مبادلات مالی و پولی و ارزی کشورها، می تواند روند ایجاد بهشت های مالیاتی، که سبب بروز فساد و تأثیرات منفی بر تجارت آزاد و سالم می شود، را کند کرده و آنرا تحت کنترل قرار دهد. بهرحال، در این جستار حقوقی، سعی شده تا با تکنیک تحلیل و ترکیب مفاهیم و با استفاده از روش استقرائی و قیاسی در یک رویکرد انتقادی به مسئله پرداخته شود.

**کلمات کلیدی:** فرار مالیاتی، فساد، تجارت آزاد، بهشت مالیاتی، اقتصاد جهانی



## ۱- مقدمه

پناهگاه مالیاتی یا بهشت مالیاتی<sup>۱</sup> در وهله نخست، ممکن است یک برچسب بحث برانگیز باشد. هیچ تعریف مشخص و یا لیست واحدی در این زمینه وجود ندارد. اغلب کشورهایی که از نظر قانونی مأمّن فراریان مالیاتی تلقی می شوند، فعالان اقتصادی قدرتمند دیگر کشورها را ترغیب می کنند تا از این طریق بتوانند از پرداخت مالیات در سایر نقاط، به ویژه از فرار سرمایه خود به دیگر نقاط، جلوگیری کنند. لذا این امر، نوعی تجویز فرار صاحبان سرمایه های سیار از پرداخت مالیات است. مبتنی بر معیارهای عملکردی، ضرورت وجود بهشتهای مالیاتی را با توجه به ماهیت آنها می توان در سه روند ذیل تقسیم بندی کرد:

اولاً، کاهش در نرخ اسمی و مؤثر مالیات اشخاص و شرکتهای، به دلیل مشکلات موجود در اخذ مالیات از سرمایه های سیار (همراه با «رقابت» مالیاتی) دولت ها را وادار می کند بار مالیات را به کار و مصرف (بی حرکت) تحمیل کنند. ثانیاً، این تغییر بار مالیاتی از سرمایه به کار و مصرف، در حالی اتفاق می افتد که سهم درآمد ملی، که به سمت سرمایه می رود، در حال افزایش است؛ گرچه در خصوص نیروی کار جنبه نزولی دارد. بنظر می رسد این امر به اندازه کافی بد نباشد؛ چون تعارض ذاتی این دو روند در سال های آینده به یک سوم کاهش می یابد؛ زیرا افزایش اتوماسیون کار، تعادل قدرت را جابجا می کند و با شیب بیشتری به سرمایه، نسبت به نیروی کار، باز می گردد.

کشورهای مختلفی که بعنوان بهشتهای مالیاتی در نظر گرفته شده اند، از روشهای مختلفی برای مساعدت به بازیگران قدرتمند اقتصادی استفاده می کنند تا از مالیات در مبدأ یا هر جایی که ثروت آنها واقعاً تولید شده، جلوگیری کنند. رازداری و حفظ اسرار مالی و تجاری، اغلب جزئی جدایی ناپذیر از این امر است. از این رو، شبکه جهانی مالیاتی<sup>۲</sup> از روش صلاحیت قضایی رازداری<sup>۳</sup> استفاده می کند. اما رازداری اغلب برای افراد با ارزش خالص، که ثروت خود را از طریق اعتماد، حسابهای بانکی محرمانه یا سایر وسایل انتقال دارایی در خارج از کشور پنهان می کنند، مهمتر است. پناهگاه های مالیاتی که با تسهیل جابجایی سود از فعالیت در سایر کشورها، ارائه حداقل مالیات در ازای آن را ارائه می دهند، به شرکت های چند ملیتی خدمت می کنند و در اینخصوص به ویژگی های مختلف متکی هستند.

بنابراین پناهگاه مالیاتی شرکتهای بزرگ آکسفام<sup>۴</sup> با تابلوی شاخص رازداری مالی متفاوت از سایر شرکتهای تجاری و سرمایه گذاری است. در جهان امروز، سوئیس، جزایر کیمن، سنگاپور و لوکزامبورگ از جمله بهشت های مالیاتی واقعی بشمار می روند. با اینحال، فارغ از رویکرد شرکتهای و فعالیتهای مربوطه و منصرف از صحیح یا ناصواب بودن تفکیک بین آنها، اساساً اجتناب شرکتهای چند ملیتی از پرداخت مالیات که از طریق فرسایش پایه سود و جابجایی آن صورت می پذیرد و غالباً در بهشت های مالیاتی انجام می گیرد و بر دولتهای متبوع یا دولتهایی که این شرکتهای در آنها فعالیت دارند، سالانه

<sup>1</sup>- Tax heavenly

<sup>2</sup>- The **Tax Justice Network (TJN)** is an advocacy group consisting of a coalition of researchers and activists with a shared concern about tax avoidance, tax competition, and tax havens.

<sup>3</sup>- TJN's use of "secrecy jurisdictions"

<sup>4</sup>- **Oxfam** is a British founded confederation of 20 independent charitable organizations focusing on the alleviation of global poverty, founded in 1942 and led by Oxfam International. See: [www.oxfam.org/en](http://www.oxfam.org/en).

حدود ۵۰۰ میلیارد دلار در آمد از دست رفته، هزینه تحمیل می نمایند، دلیل خوبی برای رسیدگی به بهشت های مالیاتی این شرکتها است.

بهر حال، در این جستار تحلیلی، پرسش اساسی این است که با ابتنای به اصل تجارت آزاد در حوزه تجارت بین المللی، چه ضرورتی دارد به وضع مقررات محدود کننده، اما شفاف و روشنی درباره نحوه پرداخت مالیات و بالمآل مقابله با بهشت های مالیاتی و نظم دهی این حوزه بزرگ اقتصاد جهانی وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش مهم، بدو آبنظر می رسد، پیوند بین تعهدات حقوق تجارت بین الملل و نقشی که بهشتهای مالیاتی در ارتقاء موانع و اجتناب از پرداخت مالیات دارند، ممکن است بسیار گسترده و خطیر باشد؛ اما مقیاس گسترده تر اجتناب از پرداخت مالیات بین المللی توسط شرکتها تا حد زیادی ناشی از افزایش تجارت جهانی در پرتو اصول تجارت آزاد است که معطوف به صلاحیتهای سازمان تجارت جهانی است؛ ضمن آنکه اعطای امتیاز به کشورهای در حال توسعه برای کاهش موانع رقابتی در این کشورها نیز می تواند سبب شود تا تجارت بین طرف های مرتبط در یک شرکت مثل انجام داد و ستد توسط دو شرکت تابعه از یک گروه از شرکتها، تحریف شود و موجب ایجاد وضعیت عدم پرداخت مالیات گردد.

بنابراین اجتناب از پرداخت مالیات بین المللی، تابعی از تجارت آزاد جهانی است. در دنیای مدرن و پیچیده امروز، در بیشتر موارد، دیگر جایی برای تعرفه های مشخص نیست و انحصارات ناشی از استعمار نیز وجود ندارد؛ پس شیوه تحریف تجارت و کسب ثروت از کشورهای در حال توسعه، اکنون به ساز و کارهای پیچیده شرکتها مبدل شده و این امر هم بر افزایش گسترده معاملات درونی شرکتها متکی گردیده است. بنابراین، از آنجا که فعالیت در بهشتهای مالیاتی از منظر تعهدات سازمان تجارت جهانی، دارای مزایای بالقوه ای است و ادعاهای بهشت های مالیاتی دایر بر اینکه، آنها بازیگران خنثی هستند، را به چالش کشیده و شیوه تحریف سیستم اقتصادی بین المللی را برجسته می کند؛ لذا زوال استتوره سازی بهشتهای مالیاتی بعنوان مجاری تسهیل تجارت آزاد، می تواند موضع آنها را در مجامع چند جانبه تضعیف نماید.

## ۲- نقش سازمان تجارت جهانی در کاهش فساد

تعهدات سازمان تجارت جهانی در زمره قواعد حقوقی بین المللی است که دولتها آنها را جدی گرفته و خود را ملتزم به آن می دانند. طرفداران عدالت مالیات داخلی، هشدار می دهند که مشوق مالیاتی پیشنهادی یا تغییر در قانون مالیات ممکن است موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی را برای تغییر رفتار گذشته دولت، نقض کند. مفاد مقررات این سازمان، مبین آن است که اجتناب از مالیات و نقشی که بهشت های مالیاتی بازی می کنند، خارج از صلاحیت حقوق بین الملل نیست و مشمول قواعدی با منشأ جهانی می باشند، نه صرفاً مقررات سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۱</sup>

<sup>1</sup> The Organization for Economic Co-operation and Development (OECD) is an intergovernmental economic organization with 38 member countries, founded in 1961 to stimulate economic progress and world trade. It is a forum of countries describing themselves as committed to democracy and the market economy, providing a platform to compare policy experiences, seek answers to common problems, identify good practices and coordinate domestic and international policies of its members. Generally, OECD members are high-income economies with a very high Human Development Index (HDI) and are regarded as developed countries. As of 2017, the OECD member countries collectively comprised 62.2 % of global nominal GDP (US\$49.6 trillion) and 42.8 % of global GDP (Int\$54.2 trillion) at purchasing power parity. The OECD is an official United Nations observer.



اینکه آیا واقعاً بهشت های مالیاتی، تعهداتی که در ذیل موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی برای دولتها تعیین شده را نقض می کنند؟ ادعایی است که اثبات آن برای مدعی آسان نخواهد بود. اما مبانی مُتَقَنی برای استدلال در این زمینه وجود دارد. این اصل که قوانین و سیاست های مالیاتی یک کشور می تواند قواعد حقوقی سازمان تجارت جهانی را نقض کند، کاملاً ثابت شده است. این سازمان، رأساً احراز می کند که در مواردی که کشورها به شرکتها و اشخاص وابسته اجازه می دهند، قیمت ها را بین خود دستکاری کنند؛ مثلاً از قیمت های مبادلاتی که در حد مجاز نیستند، استفاده کنند؛ این امر می تواند موافقتنامه ارزیابی گمرک را نقض کند یا موجب ایجاد و برقراری یارانه صادراتی گردد. ممنوعیت یارانه در سازمان تجارت جهانی از لحاظ دامنه، مشابه ممنوعیت کمک های دولتی در اتحادیه اروپا است و کمیسیون اروپا بارها و بارها به این نتیجه مهم رسیده، در هر کشوری که قیمت دستوری تعیین می شود، درحالیکه دراز مدت نیستند یا واقعیت اقتصادی را منعکس نمی کنند، یا در جایی که یک سیستم مالیاتی برای اصلاح امور شرکتها اعم از چند ملیتی یا غیره، طراحی شده، یک تخلف از مقررات اتحادیه است.

سازمان تجارت جهانی، به کشورها این امکان را می دهد که در صورت زوال یا خدشه دار شدن منافع حاصل از مشارکت در سیستم تجارت جهانی آزاد، ادعایی را مطرح کنند. این مورد، در جهت حمایت از توانایی مالیاتی فعالیت اقتصادی مرتبط با تجارت نیست؛ بلکه معمولاً با دسترسی به بازار آزاد و امتیازات تعرفه ای در ارتباط است که البته ریشه در اصل حسن نیت دارد. بنابراین، اعلامیه ها و موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی با اشاره به تجارت کشورهای در حال توسعه، «متناسب با نیازهای توسعه اقتصادی آنها»، یک سیستم تجارت چندجانبه عادلانه و بازتر برای منافع و رفاه مردم آنها، متعادل تر کردن مشارکت تجارت جهانی یکپارچه و ادغام منافع کشورهای در حال توسعه در سیستم تجارت چندجانبه و اقتصاد جهانی را مقرر می دارد.

از منظر مقررات سازمان تجارت جهانی، فعالیتهای بهشت های مالیاتی تلاشی برای براندازی مأموریت این سازمان نیست؛ بلکه به نظام حقوقی این سازمان فرصت می دهد تا نشان دهد توانایی مقابله با چالش های امروز در این زمینه را دارد. اینکه آیا علی الاصول این سازمان انعطاف پذیری و سازگاری لازم برای انجام این کار را دارد و آیا این سازمان، نقدینگی های خود یا بهشت های مالیاتی و شرکتها چند ملیتی را در جایی قرار خواهد داد که به نفع اش باشد و یا آیا مسئولیت خود در راهبری این موضوع را می کند؟ نفیاً یا اثباتاً، نه تنها برای طرفداران عدالت مالیاتی، بلکه برای خود نظام سازمان تجارت جهانی، به مثابه یک کاستی تلقی می شود که دلالت بر نیاز به تغییر و تحوّل عمیق در حوزه مقررات گذاری و نظارت و پایش مؤثر دارد.

### ۳- مقابله با بهشت های مالیاتی و فساد؛ یک مبارزه جهانی

سالانه حداقل ۱ تریلیون دلار پول کثیف<sup>۱</sup> به اقتصادها و حسابهای دریایی وارد می شود که تقریباً نیمی از آن، از کشورهای در حال توسعه سرچشمه می گیرد. (Baker, R; 2005; 170) علیرغم ابتکارات ضد پولشویی، میزان عدم توفیق در

<sup>1</sup> -Dirty money is defined as money that is obtained, transferred or used illegally. Capitalism's Achilles Heel. Hoboken, New



شناسایی جریان های پول کثیف بطرز حیرت انگیزی بالااست. از منظر اقتصادی، طفره رفتن از پرداخت مالیات، نظام درآمدی دولت مدرن را تخریب و توانایی دولت را در تأمین منابع برای انجام سرمایه گذاری و هزینه های ارائه خدمات مورد نیاز شهروندان تضعیف می کند. لذا این مسئله در نوع خود بالاترین شکل فساد را نشان می دهد؛ زیرا یک ملت را در یک جامعه، بطور مستقیم از منابع عمومی مشروع مربوطه، محروم می کند. به همین دلیل، سوءاستفاده مالیاتی بین المللی، باید بعنوان هدفِ جبهه بزرگ بعدی نبردهای توسعه بین المللی، مبارزه با فساد، و مقابله با نابرابری در عصر مدرن امروز و جهانی سازی اقتصادی بین الملل، تبدیل شود. در این راستا، توجه به اقتصاد موازی و بازنگری در ماهیت و جغرافیای فساد در اقتصادهای ملی و تجارت بین الملل ضروری است.

#### ۴- اقتصاد موازی

بنظر می رسد اندک اندک صحنه برای یک مبارزه حماسی در عصر مدرن امروز آماده می شود. در طول نیم قرن گذشته، نخبگان حرفه ای و مشتریان قدرتمند آنها با جسارت هر چه تمام تر، یک اقتصاد جهانی موازی ایجاد کرده اند - که اغلب به آنها بهشت های مالیاتی اطلاق می شود- تا خود را از پرداخت مالیات معاف و از شمول مقرراتی که در قلمرو «خشکی» برای اشخاص وجود دارد، آزاد و رها سازند. این اقتصاد موازی، یک زیرساخت امکانپذیر از بانک ها، مشاغل حقوقی و حسابداری، مجالس قانونگذاری و محاکم کوچک و واسطه های مالی مرتبط را فراهم می کند، که با هم ترکیب می شوند و بعنوان «یک رابط دریایی» بین اقتصادهای غیرقانونی و مجاز عمل می کنند. این رابط، به نوعی فرار سرمایه از کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند را در مقیاس واقعاً بزرگ تسهیل و تشویق می کند. این امر، امکان جابجایی مالیات را فراهم، بار مالیاتی را از سرمایه به نیروی کار منتقل و بطور قابل توجهی به گسترش نابرابری و عدم انصاف کمک می نماید، بنوعی که سبب شده تا این یکپارچگی سیستم های مالیاتی و احترام به قانون تضعیف شود.

اصولاً دموکراسی، با معاملات پنهانی و معاملات خاص تضعیف می شود؛ زیرا فقدان شفافیت، حکمرانی مطلوب کشورها را زیر سؤال می برد. رابط دریایی، بازارهای جهانی را به ضرر نوآوری و کارآفرینی تحریف کرده و رشد اقتصادی را با پاداش دادن به سواری آزاد گرفتن از سرمایه های ملی و هدایت اشتباه سرمایه گذاری، کاهش می دهد. این عملکرد از طریق تباری بین واسطه های مالی بخش خصوصی و دولت هایی است که میزبان فعالیت های بهشت مالیاتی دریایی هستند. مبارزه حماسی و جدی با این پدیده، مستلزم بازنگری بنیادی در ماهیت و جغرافیای فساد است که یکی از جلوه های آن، الزام جامعه مدنی به رفع نقص عمده ساختار مالی جهانی و غلبه بر قدرت سیاسی حافظ منافع اصلی فراریان مالیاتی است. لذا بنظر می رسد ناپسندانگاری هر نوع سوء استفاده مالیاتی بین المللی و مقابله جدی و فراگیر آن، باید هدف نبرد علیه فساد برای حفاظت از روند سالم توسعه بین المللی باشد تا با مبارزه بی امان با فساد، نابرابری ها کم شده و آهنگ رشد اقتصادی متوازن در همه نقاط جهان، شتاب گیرد و حرکت سالم در مسیر توسعه اقتصادهای ملی و پیشرفت بشری، گذرگاه جهانی سازی را در مسیر شایسته و صحیح که عاری از ظلم و بی عدالتی است، قرار بدهد.

اگرچه در این مسیر، دشواری انجام بخشی از اقدامات و تدابیر، ناشی از پیچیدگی موضوعات و ماهیت آنها می باشد و نهادهای مدنی عمدتاً از برخی از مهمترین جنبه های این مباحث، غفلت کرده و این حوزه ها را تحت استعمار کارشناسان بسیار پردرآمد با هدف کسب منافع بیشتر برای قدرتمندان و ثروتمندان قرار داده اند؛ معذالک، زمان آن فرا رسیده تا جامعه مدنی، گامی مهم بردارد.

تصور بهشت مالیاتی با دورنمای زیبا، اغلب تصویری اشتباه است. بسیاری از بهشت های مالیاتی دریایی موجود، از نظر جغرافیایی در کشورهای کوچک جزیره ای و پراکنده واقع شده و از نظر سیاسی و اقتصادی نیز با سازمان اصلی همکاری اقتصادی و توسعه مرتبطند. استقرار بهشت های مالیاتی در ایالت ها و مکانهای فراساحلی، نباید بمنزله فقد رابطه بین دولت و بخشهایی از سرزمین آن دولت- که صرفاً جنبه سیاسی در مورد این رابطه است- تلقی شود و یا توجیهی برای عدم پذیرش مسئولیت دولت مرکزی و عدم اقدام در مقابله با چنین پدیده هایی باشد. (Palan; R; 1999)

بعنوان مثال در انگلیس، بیشتر معاملات دریایی، حتی اگر واسطه های مربوطه در لندن، از دفاتر مستقر در سرزمین های خارج از کشور انگلیس و یا ارتباطات و رانت های پادشاهی انگلیس استفاده کنند، تحت کنترل لندن قرار دارند و معاملاتی که در این حوزه ها انجام می شود، اگرچه اینگونه بنظر می رسد که دفاتر مستقر در این حوزه ها، مستقل از لندن هستند؛ لیکن عملاً، بعنوان مراکز دارای تفویض اختیار از لندن و سایر مراکز مالی مهم می باشند. در این حوزه ها، نرخ مالیات صفر است و یا حداقل همراه با ترتیبات پنهانکاری از جمله عدم افشای مالکیت سودمند شرکتها و تراست ها و رژیم های نظارتی مستقل از نظام نظارتی حاکم بر خشکی هستند.

بسیاری از بهشت های مالیاتی، یا مستقیماً و یا از طریق سرزمین های خارج از کشور که وابسته به پادشاهی انگلستان می باشند و یا از طریق عضویت در اتحادیه مشترک المنافع، با انگلیس ارتباط دارند. رسوایی غول نفتی فرانسه در دهه ۱۹۹۰، در مقیاس مشابه می تواند در انگلستان، که بسیاری از بزرگترین پناهگاه های مالیاتی، به ویژه شهر لندن، تحت کنترل آن قرار دارند، حادث گردد؛ لیکن «این کشور با اجازه دادن به شرکتهای انگلیسی برای فعالیت در بهشت های مالیاتی، مزایای خود را حفظ کرده است. گسترش استفاده از این حوزه های قضایی، پیوندی با استعمارزدایی دارد. این مسئله، شکل مدرن استعمار است.» (Eva Joly; 2007) بهشت های مالیاتی، بعنوان هدف اصلی در مرحله آغاز مبارزه با فساد می باشند و برای کسانی که می خواهند با فقر در جهان مقابله کنند، هیچ چیز مهمتر از امکان ردیابی جریان های پول کثیف، ضبط و انهدام آنها و تحریم مناطقی که با این روند همکاری دارند، نیست.

یکی از معضلات بر سر راه مبارزه با پولشویی، رازداری فرامرزی و فراساحلی<sup>۱</sup> است. این امر که یا از طریق قوانین رازداری بانکی و یا از طریق موافقتنامه های معاضدت قضایی و اقدامات بانکی ایجاد شده، مانع عمده ای برای ردیابی جریان های پول کثیف و مقابله با فعالیت های فاسد است. این «فضای محرمانه بودن»، سدّی مؤثر در بررسی فعالیت های مراکز مالی دریایی می کند (Christensen & Hampton; 1999) و پولشویی نیز وصول عواید حاصل از طیف وسیعی از

<sup>۱</sup>- OECD

<sup>۲</sup>- Offshore secrecy



فعالیت‌های جنایتکارانه و فسادآمیز از جمله کلاهبرداری، اختلاس و سرقت، رشوه، قاچاق مواد مخدر، قاچاق غیرقانونی اسلحه، جعل و تقلب در تجارت داخلی، تهیه و ارائه فاکتور بازرگانی تقلبی، تخفیف در نقل و انتقالات مالیاتی و تقلب را تسهیل می‌کند. طرح‌های پیچیده‌ای برای «مبادله و وارد نمودن» پول کثیف در معاملات تجاری و پنهان کردن عواید جرم و فرار مالیاتی وجود دارد که با استفاده از ساختارهای پیچیده دریایی اجرا می‌شود. البته روش‌های پولشویی، بطرز چشمگیری از سناریوهای تجاری سطح پایین، نسبتاً ساده تا ساختار بسیار پیچیده یا انتقال پول در خارج از کشور، متفاوت است. لیکن آنچه مشهود است، نفوذ هیت جنایی در منافع تجاری نامشروع در همه این موارد می‌باشد. اگر وکلا، حقوقدانان، حسابداران، مشاوران مالی نبودند، هیچ‌یک از این افراد نمی‌توانستند، بسیاری از این کارها را انجام دهند؛ زیرا آنان آگاهانه برای پولشویی و پنهان کردن دارایی کمک می‌کنند.<sup>1</sup>

علیرغم ابتکارات ضد پولشویی، میزان شکست در رهگیری جریان‌های پول کثیف به طرز حیرت‌انگیزی بالاست. مثلاً بنا به اظهارات یک بانکدار سوئیسی، فقط ۰.۰۱٪ پول کثیف که از طریق سوئیس جریان دارد، شناسایی می‌شود. (Baker, 2005; p.174). بعید بنظر می‌رسد سایر مراکز مالی خارج از کشور نیز وضعیتی بهتر نداشته باشند. مهمترین تکنیک برای فرار از مالیات و پولشویی، استفاده از بهشت‌های مالیاتی، شرکتها و حسابهای دریایی، بنیادها، مؤسسات خبرنگاری، نقل و انتقال‌های ساختگی و تقلبی و غیره است تا در پوشش اهدافی که هیچگاه تمایلی به تحقق آن ندارند، مخفی شوند. به عنوان مثال، هدف اصلی نهادهای تراستی یا امور حسی، این است که به حمایت از زوجین و سایر اعضای خانواده‌ای که قادر به رسیدگی به امور خود نیستند، پردازند و اهداف خیرخواهانه را ارتقاء دهند. از آنجا که برای افرادی که با اقتصادها و حسابهای دریایی آشنا نیستند، باورنکردنی است، تراست‌های خیره‌بطور منظم در بهشت‌های مالیاتی دریایی و با هدف برنامه‌ریزی مالیاتی بین‌المللی و پنهان کردن دارایی‌ها و بدهی‌های خارج از کشور مورد استفاده واقع می‌شوند، و در نفس الامر، با این اهداف تأسیس می‌شوند. (Brittain; 2005; p. 55-76).

همانطور که در قضیه انرون و پرمالات اتفاق افتاد، رشد چشمگیر حسابهای دریایی از اواسط دهه ۱۹۷۰ نشان دهنده وجود خطای عمده‌ای در روند آزادسازی مالی است. در حالیکه سرمایه، تقریباً متحرک شده و جابجایی پول در فرا مرز صورت پذیرفته، لیکن سیستم‌های ردیابی جریان پول کثیف بین مرزی، عمدتاً در سطح ملی باقی مانده‌اند. نتیجه غیرمنتظره این امر، افزایش چشمگیر جریان‌های پول کثیف مرزی است که اغلب بصورت فاکتور بازرگانی جعلی و انجام معاملات بین شرکت‌های تابعه شرکت‌های چندملیتی صورت می‌گیرد. (Brittain; 2005; p. 55-76)

اکثریت قریب به اتفاق این وجوه، از طریق حسابهای پیچیده دریایی، که از طریق سیستم بانکی جهانی کار می‌کنند، تطهیر می‌شوند. مبالغ هنگفتی به ویژه متعلق به کشورهای در حال توسعه مستعد فرار سرمایه می‌باشد. البته در این امر، تخمین‌های مربوط به فرار سرمایه از آفریقا، بسیار متفاوت است؛ لیکن طبق اعلام اتحادیه آفریقا سالانه ۱۴۸ میلیارد دلار از طریق

<sup>1</sup>- Detective Superintendent Des Bray, of the Commercial and Electronic Crime Branch, interviewed in the Adelaide Advertiser, "Lawyers helping to launder money", 4 June 2007.

<sup>2</sup>- Enron & Parmalat



جریان پول کثیف از این قاره خارج می شود.<sup>۱</sup> البته تحلیلگران بر این باورند که خروج پول های کثیف از آفریقا، امری دائمی است و این امر مبین این واقعیت می باشد که بین ۸۰ تا ۹۰ درصد از این جریان ها، در خارج از قاره هدایت می شوند. نتایج حاصل از یک مطالعه هم نشان می دهد که کشورهای جنوب صحرای آفریقا، یک بستانکار خالص برای بقیه جهان می باشند؛ به این معنا که دارایی های خارجی (یعنی موجودی سرمایه پرواز کرده) بیش از بدهی های خارجی است. مسئله این است که دارایی ها، عمدتاً در مالکیت بخش خصوصی است؛ در حالیکه بدهی ها را مردم آفریقا می پردازند (Boyce & Ndikumana; 2005).

### ۵- بازنگری در ماهیت مفهومی فساد و جغرافیای آن

فرار مالیاتی، منجر به کاهش درآمد دولت و تضعیف توانایی اداره کشور می شود و بالاترین شکل فساد در یک جامعه مدنی مدرن است و موجب محرومیت ملت از منابع عمومی مشروع می شود. طاغوت مالیاتی، شامل مؤسسات و اشخاصی هستند که از موقعیت های اجتماعی ممتازی برخوردارند؛ لیکن خود را نخبه ای جدا از جامعه عادی می دانند و «هیچ یک از تعهدات شهروندی در یک جامعه عادی را نمی پذیرند». زیرساخت های غیرشفاف، بانکداران، و کلا حقوقدانان و حسابداران حرفه ای، همراه با زیرساخت های فراساحلی شامل پناهگاه های مالیاتی با راهبردهای نیمه مستقل، مقامات قضایی و نظارتی، ممکن است در این زنجیره حضور داشته باشند. لذا این نوع فساد اداری، معطوف به روابط ناسالم عوامل خصوصی و دولتی است که وضعیت ممتازی برای تضعیف رژیم های مالیاتی ملی ایجاد می کنند.<sup>۲</sup>

عدم رسیدگی به این معایب اساسی در سیستم مالی، روحیه قانون گریزی و فساد را ایجاد کرده و بعنوان غده ای سرطانی، پیکر اعتماد جامعه به یکپارچگی سیستم بازار و دموکراسی را خدشه دار کرده است. طفره رفتن از پرداخت مالیات تحت عناوین مختلف از سوی اشخاص ثروتمند، دولت ها را مجبور می کند با کاهش درآمدهای موجود برای سرمایه گذاری در آموزش و پرورش و زیرساخت ها، بار مالیاتی را به افراد کم بضاعت، افزایش نابرابری و آسیب رساندن به چشم انداز توسعه تحمیل کنند. حتی مدیران شرکتهایی که به حاکمیت و حکمرانی مطلوب و سیاست های اخلاقی باور دارند، هنگامی که مبنایی ناعادلانه را در برنامه ریزی مالیاتی در برابر بزهکاران شرکتی ملاحظه می کنند، در طفره رفتن از مالیات به رقابت با بزهکاران مالیاتی می پردازند. بدین ترتیب، دولتهای متعهد به اعمال نظام عادلانه مالیاتی و تجارت عادلانه نیز خود را در گیر یک روند کاملاً ساختگی تحت عنوان رقابت مالیاتی، می کنند و پایه درآمد آنها را تضعیف می کند و نابرابری را افزایش می دهد.

<sup>۱</sup> See "The Other Side of the Coin: the UK and Corruption in Africa". A report by the UK Africa All Party Parliamentary Group, March 2006, p. 14.

<sup>۲</sup> اوا جولی، یکی از مسئولان مبارزه با فساد در مارس ۲۰۰۷، در مورد لزوم انتقال بحث فساد به فاز دو صحبت کرد، که در آن نقش حسابداران، بانکداران، وکلا و مراکز مالی خارج از کشور در زمینه ایجاد اقدامات فساد آمیز مورد بررسی بیشتر قرار می گیرد. ر.ک. Africa Confidential (2007). "Tax Havens: Financial secrecy – profits from the laundry". Vol. 48, No. 6, 16 March.





متاسفانه، شفافیت بین المللی،<sup>۱</sup> علیرغم نقش قابل ستایشی که در قرار دادن فساد در دستور کار دولتمردان دارد، با اصلاح «شاخص تصور فساد»<sup>۲</sup> - که تصورات کلیشه ای در مورد جغرافیای فساد را تقویت می کند- تلاش کسانی که در صدد اصلاح روند ناصواب گذشته و در جریان بودند، را تضعیف کرده است. این سازمان، آفریقا را بعنوان فاسدترین منطقه جهان معرفی کرده که بیش از نیمی از «فاسدترین» کشورها<sup>۳</sup> را در این شاخص به خود اختصاص داده است. کشورهای آفریقایی، حدود نیمی از کشورهای جهان که بیشترین فساد شناخته شده اند، را تشکیل می دهند. چاد، ساحل عاج، جمهوری دموکراتیک کنگو، گینه استوایی، گینه و سودان در بین ده کشور پایین از مجموع ۱۶۳ کشور قرار دارند. البته علیرغم آنکه کشور غنا دارای نمره ۳.۳ از ۱۰ و در پایین ترین سطح (یعنی فاسدتر) طیف فساد بین المللی قرار دارد، معذالک رتبه غنا در قیاس با دیگر کشورهای آفریقایی، نسبتاً خوب است.

اما علیرغم توجه به کارکرد سازمان شفافیت بین المللی در مطبوعات آفریقایی و جهانی، بنظر می رسد این آمار، چشم انداز بسیار جزئی و مغرضانه ای را از فساد ارائه می دهد. زیرا بررسی دقیقتر سازمان «شاخص فساد»<sup>۴</sup> نشان می دهد بیش از نیمی از کشورهایی که این سازمان، بعنوان «کمترین فساد» معرفی کرده، در واقع پناهگاه های مالیاتی دریایی هستند؛ منجمله سنگاپور (رتبه ۵)، سوئیس (۷)، انگلیس و لوکزامبورگ (مشترکاً یازدهم)، هنگ کنگ (پانزدهم)، آلمان (شانزدهم)، ایالات متحده آمریکا و بلژیک (مشترکاً بیستم). ضمن آنکه باربادوس، ایسلند، مالت، نیوزیلند و امارات متحده عربی بعنوان پناهگاه های مالیاتی نیز در میان کشورهای دارای «فساد کمتر» قرار می گیرند.

این رتبه بندی، مؤید سیاست کنونی مقابله با فساد است؛ زیرا جغرافیای تحریف شده فساد، می تواند از این امر ناشی شده باشد که سازمان شفافیت بین المللی، فساد را «سوء استفاده از قدرت سپرده شده برای منافع شخصی» می داند؛ و همین موضوع سبب تمرکز و سواس گونه بر مقامات دولتی (سیاستمداران و کارمندان دولت) و عدم توجه به سایر نخبگان از جمله مدیران شرکتهای واسطه های مالی شده است. در حالیکه از نقطه نظر واقع گرایی و از منظر عملکردی، اکنون باید تمرکز به سمت فعالان عرصه عرضه معطوف شود؛<sup>۵</sup> از جمله به

• همه دولتهایی که در قلمرو حاکمیتی و سرزمینی مربوطه، فضاهای پنهان کاری برای وقوع فساد را تأمین می کنند؛ نه منحصرأ آن دسته از دولی که بعنوان بهشت های مالیاتی طبقه بندی می شوند.

• کارگزاران بخش خصوصی، از جمله و به ویژه واسطه های حرفه ای، مانند بانکداران، وکلا، حسابداران، آژانس های تأسیس شرکت، شرکتهای وابسته و تابعه، که فعالیت های آنها، اقدامات مالی فاسد را تسهیل کرده و یا آنها از فسادی که در حال وقوع است، چشم پوشی می کنند.<sup>۶</sup>

• مدیران مسئول معاملات غیرقانونی که به فرار سرمایه، فرار مالیاتی و جلوگیری از وصول مالیات کمک می کنند.

<sup>1</sup>- Transparency International.

<sup>2</sup>-The Corruption Perception Index (CPI)

<sup>3</sup>- Most Corrupt<sup>5</sup> Quintile of Countries

<sup>4</sup>-The Corruption Perception Index (CPI)

<sup>5</sup>- supply

<sup>6</sup>- See, for example, UK Africa All Party Parliamentary Group, op cit

<sup>7</sup>- US Senate (2006). Tax Haven Abuses: The Enablers, the Tools and Secrecy. Permanent Subcommittee on Investigations



البته تصدیقاً برای برخورداری از حمایت عمومی در مقابله با فساد، باید تمام تلاش دولتها و نهادهای حکومتی بر این باشد تا درک عمومی از آنچه که فساد را تشکیل می دهد، کاملاً تغییر یابد تا شامل هر فعالیتی بشود که متضمن سوءاستفاده از حقوق عمومی بوده و سبب تضعیف اعتماد و اطمینان عمومی به انسجام و انضباط قوانین، سیستم ها و نهادهای ترویج دهنده مصالح عمومی می شود. تجارت داخلی، فرار و اجتناب از مالیات، تقلب در معاملات و بازار، عدم افشای اعمال نفوذهای غیرقانونی و رانتها، دخالت ها و واسطه گری های مالی، اختلاس و سوءقیمت گذاری ها در تجارت، همگی در چنین چارچوبی تحلیلی بعنوان فساد شناخته می شوند.

## ۶- شعار جهانی سازی و بهشت های مالیاتی

واقعیت تعهد کشورهایایی که مأمین سرمایه های فراری از کشورهای در حال توسعه هستند و مبدل به بهشت های مالیاتی در جهان شده اند، این است که آنها تحت شعار «جهانی سازی» اقتصاد، خواهان تجارت آزاد با شرایط خود می باشند؛ لیکن همچنان از انگیزه های مالی برای تحریف سیستم تجارت به نفع مشاغل داخلی خود و جذب سرمایه از کشورهای در حال توسعه و نوظهور استفاده می کنند. بعلاوه تغییر رویکرد دولتها به استفاده از منابع طبیعی و تکنولوژی برای پیشرفت جوامع مربوطه، مفهوم توسعه و فقر نیز مداوم در حال تغییر اساسی است. اشخاصی که در صدد مقابله با فقر و بی عدالتی هستند، به دنبال راهی فراتر از وابستگی به کمک دول قدرتمند و تخفیف بدهی مربوطه و کلیه شرایطی هستند که از جانب ثروتمندان بر کشورهای ضعیف و بدهکار تحمیل می شود.

هم در مورد منابع طبیعی و ثروتهای عمومی و اقتصاد داخلی کشورهای در حال توسعه و هم بعضاً راجع به نحوه برخورد نهادها و ساختارهای حاکمیتی با سرمایه ها و ثروت اشخاص، چه بلحاظ حقوقی و چه بلحاظ سیاسی و بعضاً با اقدامات نابخردانه هیجانی مضر و حتی سوءاستفاده برخی مأموران دولتی، مسائلی مطرح می شود که تحلیل آنها از سوی صاحبان دارایی و ثروت در این کشورها با وجود چراغ سبزی که از بهشت های مالیاتی نشان داده می شود، منجر به پرواز سرمایه های داخلی کشورهای در حال توسعه به خارج از کشور و نتیجتاً پنهانکاری ثروتمندان برای عدم پرداخت مالیات قانونی به دولتی می شود که تحت قلمرو حاکمیتی این دولت و از منابع طبیعی و ثروتهای عمومی و با بهره مندی از نظم عمومی موجود و در پناه نظام حقوقی این کشور و حتی بعضاً با استفاده از رانت و فساد که خودشان مسبب ایجاد آن می شوند، ثروت اندوزی کرده و به آسانی و با لطایف الحیل، سرمایه ای که باید در این کشورها صرف سرمایه گذاری و توسعه و رفاه و آسایش ملت شود، را بنام ثروت شخصی به خارج از کشور، منتقل می کنند.

مسائل مربوط به فرار از سرمایه و فرار مالیاتی، که تا مدت ها نادیده گرفته می شدند، اینکه به موضوع و دغدغه اصلی جوامع در حال توسعه تبدیل شده و به مرحله ای مهم از موضوعات اولویت دار حاکمیتی این کشورها رسیده اند؛ بگونه ای که کشورها تلاش کرده اند تا بموازات تمرکز بر روی نقش توانمندسازها و بهشتهای مالیاتی، پولهای کثیف زیادی از طریق آنها به مسیر اصلی بازارهای سرمایه منتقل شود. با اینحال، همگان واقفند که ارتباطاتی بین پولشویی، فساد، بی ثباتی

بازار مالی، افزایش نابرابری و فقر ایجاد شده و در نتیجه، بهشت های مالیاتی بعنوان مخرج مشترک هر یک از این مشکلات شناخته می شوند. بطور خلاصه، جدول ذیل، نشان دهنده بهشت های مالیاتی در جهان است.

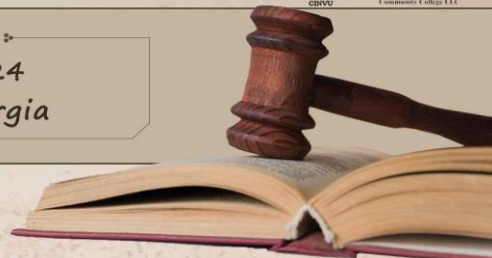
The Caribbean and Americas Anguilla Antigua and Barbuda* Aruba* The Bahamas Barbados Belize Bermuda British Virgin Islands Cayman Islands Costa Rica Dominica* Grenada Montserrat* Netherland Antilles New York Panama Saint Lucia* St. Kitts & Nevis* Saint Vincent and the Grenadines* Turks and Caicos Islands Uruguay* US Virgin Islands*	Europe Alderney* Andorra Belgium* Campione d'Italia* City of London Cyprus Frankfurt Gibraltar Guernsey Hungary* Iceland* Ireland (Dublin)* Ingushetia* Isle of Man Jersey Liechtenstein Luxembourg Madeira* Malta* Monaco Netherlands Sark Switzerland Trieste* Turkish Republic of Northern Cyprus	Africa Liberia Mauritius Melilla* The Seychelles* São Tomé e Príncipe* Somalia* South Africa* Middle East and Asia Bahrain Dubai* Hong Kong Labuan Lebanon Macau* Singapore Tel Aviv* Taipei* Indian and Pacific Oceans The Cook Islands The Maldives* The Marianas Marshall Islands Samoa* Tonga* Vanuatu
---	--	--

## ۷- نقطه کور اقتصادی

بسیاری از اقتصاددانان در تحلیل خود از نقش خطیر اقتصاد فراساحل چشم پوشی می کنند؛ درحالیکه این موضوع می تواند دلیل ناتوانی آنها در تبیین علل حرکت «سربالایی» سرمایه از کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند با وجود پیش بینی تئوری های اقتصادی آنها ارزیابی شود. (Guha; 2006; p. 11)

ریسک سیاسی یا احتمال حدوث بحران های مالی، ممکن است از دلایل اصلی فرار سرمایه باشد؛ لیکن وضعیت بدون مالیات در بهشت های مالیاتی، تصدیقاً انگیزه شدیدی برای صاحبان دارایی و ثروتمندان داخلی در کشورهای در حال توسعه برای حفظ اموال و دارایی های خود در خارج از کشور ایجاد می کند. آنها می توانند با انجام این کار بصورت مخفیانه، ثروت خود را از گزند کاهش احتمالی بهای ارز و تعلق مالیات محافظت کنند. لذا سرمایه هایی که از کشورهای در حال توسعه به بهشت های مالیاتی و بطور کلی به خارج از کشور پرواز و در واقع، فرار می کنند، غالباً بصورت ثابت در این مناطق باقی نمی مانند. برخی از آنها در واقع، نرخ بازده و مبدل سرمایه گذاری مستقیم خارجی می باشند. به این نحو که این سرمایه، در واقع، نتیجه بازپرداخت پول پروازی در فراساحل است که طی فرآیند پولشویی قبل از سرمایه گذاری مجدد در کشور مبدأ، به این بهشت های مالیاتی پرواز کرده و وارد شده و اکنون مجدداً برای سرمایه گذاری به همان کشور مبدأ وارد می شود؛ فرایندی که به عنوان «دور رفت و برگشت» شناخته می شود. علت حدوث چنین وضعیتی نیز اعطای مشوقها و رفتار ترجیحی است که به بسیاری از سرمایه گذاران خارجی، انگیزه ای برای رفت و برگشت پول می دهد.

<sup>1</sup> - 'Round Tripping'



شبكة عدالت مالیاتی<sup>۱</sup> در مقاله منتشره تحت عنوان ارزش فراساحل<sup>۲</sup> اعلام نمود که ثروت شخصی عمدتاً اعلام نشده «افراد خارج از کشور» در کشور محل اقامت، حدود ۱۱.۵ تریلیون دلار تخمین زده می شود و برآورد می شود که درآمد سالانه جهانی این دارایی های اعلام نشده نیز در حدود ۸۶۰ میلیارد دلار و درآمد مالیاتی سالانه چنین درآمد های اعلام نشده در سراسر جهان نیز در حدود ۲۵۵ میلیارد دلار است. این ارقام با وجود محافظه کارانه بودن آن و علیرغم پوشش گسترده ای که در رسانه های جهان از زمان انتشار تاکنون داشته، بنظر می رسد به مراتب از بودجه سالانه مورد نیاز برای تأمین اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد هم بیشتر است. این وجوه، هم از کشورهای پیشرفته نشأت می گیرد و هم بخش قابل توجه آن، از کشورهای در حال توسعه به بهشت های مالیاتی پرواز کرده است. به عنوان مثال، بیش از ۵۰٪ از پول نقد و اوراق بهادار مذکور مربوط به افراد ثروتمند آمریکای لاتین است که تحت عنوان نگهداری در خارج از کشور، سپرده گذاری شده، در حالیکه از کشور مبدأ به سمت این بهشت های مالیاتی پرواز کرده است.<sup>۳</sup>

اما رقم ۲۵۵ میلیارد دلار درآمد مالیاتی فوق الذکر - که به دلیل فرار مالیاتی دارایی ها به خارج از کشور، امکان وصول ندارد- تنها بخشی از این معادله است. کشورهای در حال توسعه، علاوه بر آن، به دلیل فرار مالیاتی فعالیت های سودآور اشخاص در اقتصاد غیررسمی داخلی، جلوگیری از مالیات در تجارت بین مرزی و فشارها برای رقابت جهت سرمایه گذاری از طریق ارائه مشوق های مالیاتی غیر ضروری، نیز خسارت می بینند. لذا برآورد می شود این مسائل، مجموعاً موجب از دست رفتن حدود ۳۸۵ میلیارد دلار درآمد مالیاتی سالانه این کشورها می شود. (Cobham; 2005; 129)

این امر به وضوح مبین شبیه خون گسترده از منابع مالی داخلی<sup>۴</sup> بسیاری از کشورهای در حال توسعه است، که بنابه دلایل و روش ها مختلف، ثبات اقتصادی و پایداری نظم تجاری و انسجام سرمایه گذاری و توسعه را تضعیف می کند؛ اولاً تنزل سطح وصول مالیاتی از افراد ثروتمند و پردرآمد، دولت ها را مجبور می کند نوع و پایه های مالیاتی دیگری را جایگزین کنند که معمولاً از نوع غیرمستقیم است و نتیجتاً اثر تورمی در جامعه داشته و تأثیر دورانی بر ثروت و توزیع درآمد دارد. ثانیاً کاهش درآمد مالیاتی، باعث کاهش سرمایه گذاری های عمومی در آموزش، حمل و نقل و سایر زیرساخت ها می شود. ثالثاً طفره رفتن از پرداخت مالیات، یکپارچگی رژیم مالیاتی و رویکرد جامع و یکسان قوانین و مقررات مالیاتی و اجرای عدالت محور آنرا خدشه دار کرده و سبب ایجاد تحریفات مضر اقتصادی می شود؛ بگونه ای که حداقل آن این است که در این فضای نامطلوب و زائل کننده اعتماد عمومی، سبب می شود کسانی که از رویه اخلاقی پیروی و بموقع و بنحو صحیحی مبادرت به پرداخت مالیات می کنند، مجازات شوند و کسانی که قانون را خنثی و بلاثر می کنند، نفع غیرقانونی و حتی سود نامشروع کسب نمایند. رابعاً طفره رفتن مالیاتی، احترام و اعتماد مردم نسبت به حاکمیت قانون<sup>۵</sup> در

<sup>1</sup>- March 2005 the Tax Justice Network

<sup>2</sup>- The Price of Offshore

<sup>3</sup>- For more details about the MDGs see Joyce Haarbrink's article on sexual and reproductive health and rights in this Report, Boston Consulting Group (2003). "Global Wealth Report

<sup>4</sup>- Massive Hemorrhaging of the Domestic Financial Resources

<sup>5</sup>- Rule of law



جامعه و باور به ساختار عدالت محور حاکمیت و یکپارچگی دولت دموکراتیک را تضعیف کرده و به مرور موجب بروز نارضایتی ها و اعتراضات می شود و نتیجتاً حاکمیت را از اتکای به ملت در بحران ها و حوادث محروم می سازد. کاهش درآمدهای مالیاتی در کشورهای در حال توسعه، باعث ایجاد یک دور باطل و بعضاً سیستم معیوب سرمایه گذاری و پرورش سرمایه انسانی لازم برای ایجاد یک فضای جذاب برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی شده است. بانک جهانی در گزارشی در مورد آمریکای لاتین، توصیه کرد که دولت ها باید اولویت بیشتری برای هزینه های زیرساختی - که به نفع افراد فقیر است - و هزینه های آموزش و مراقبت های بهداشتی، قائل شوند. در عمل، بخش عمده ای از هزینه های دولت در آمریکای لاتین به نفع افراد متمول اقتصادی متمایل است و دولت ها، مالیات بسیار کمی به ویژه از افراد ثروتمند دریافت می کنند. در این گزارش نتیجه گیری شده که «در جبهه مالیات، اولین مورد در دستور کار، تقویت برنامه های فرار از مالیات و رسیدگی به سطوح بالای معافیت ها است.» (Perry; 2006; p. 101)

در یک نشست پارلمانی در لندن نیز که با موضوع «چرا اهدا کنندگان کمک، از مالیات ترسیده اند؟» برگزار شد، دلایل مختلفی در باب فرار از پرداخت مالیات مطرح شد. از جمله اینکه روند شناسایی منشأ پولها با وجود بهشت های مالیاتی پیچیده است و ترس از آینده برخی از اقتصادهای جزایر کوچک، که به نقش پناهگاه مالیاتی آنها بستگی دارد، نیز در کنار عوامل دیگری نظیر اینکه برخی از نهادهای کمک رسان به دلیل رابطه ای که با دول قدرتمند دارند، در معرض خطر می افتند و برخی از آنها نیز اساساً علاقه ای به حفظ صنعت امداد و نجات ندارند و برخی از اشخاص، بیش از حد با منافع شرکت گره خورده اند؛ و یا دلایل دیگر، سبب شده تا مدت ها طول بکشد این موضوعات مورد توجه جوامع پیشرفته قرار گیرند.

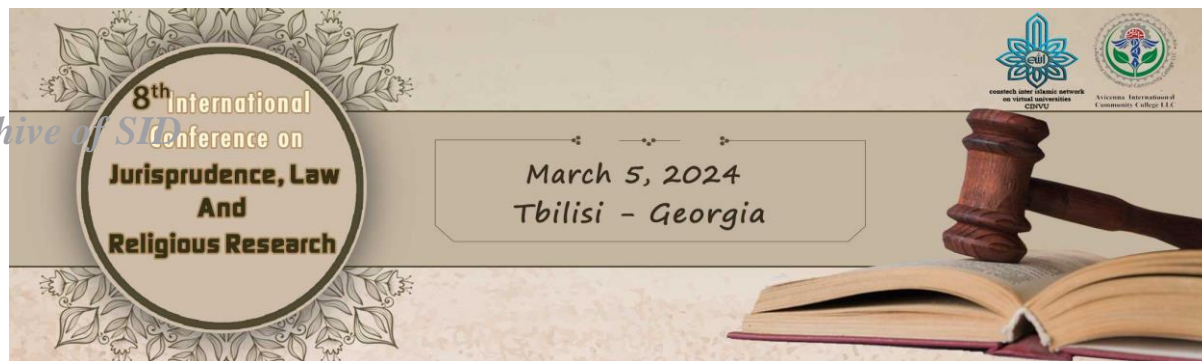
## نتیجه

با تقویت همکاری بین المللی، بسیاری از مشکلات مذکور منجمله فرار مالیاتی حل می گردد و با تقویت نظام حقوقی داخلی و اصلاح سیستم های نظم دهنده، منجمله برقراری عدالت مالیاتی با اجتناب از معافیت های رانتهی و یا حتی دلسوزانه از طریق بکارگیری فناوریهای نوین بر مبنای محاسبه نرخ مالیات با نصاب واحد و اجرای بدون تبعیض و یکسان آن و پرهیز از تصمیم گیری های مقطعی و احساسی که سبب وضع نرخها و نصابهای غیرمنطقی بر درآمد و دارایی اشخاص می شود و نتیجتاً شرایط نابرابری برای اشخاص ساکن در یک قلمرو تحمیل می کند، می توان تا حدودی از پرواز سرمایه ها به خارج از کشور جلوگیری کرد. تعیین نرخهای متفاوت مالیاتی بر درآمد اشخاص تحت شعار عدالت مالیاتی، دقیقاً منبث از تفکری است که در تلاش است با این روش، نارضایتی بین صاحبان درآمد ایجاد کرده و سبب شود، اشخاص اقدام به پنهان کردن ثروت، دارای و درآمد خود نمایند. تصدیقاً اثر وضعی چنین تصمیماتی، پرواز سرمایه از داخل کشور، به خارج آن و یکی از عمده دلایل نارضایتی اشخاص در صنوف و گروههای متفاوت جامعه است که سبب نابرابری می شود.

تبادل اطلاعات مؤثر بین مقامات ملی تا حد زیادی برای غلبه بر مشکلات فرار سرمایه و فرار مالیاتی<sup>1</sup> کمک خواهد کرد و موانع ناشی از رازداری بانکی، نیز می توانند با اعمال رزرو و یا مفاد معاهدات بین المللی برطرف شوند. با ثبت جزئیات اصلی مربوط به هویت مأمور تسویه حساب و ذینفعان، محرمانه ماندن اطلاعات مالی مربوط به حسابها و اقتصادهای دریایی کاهش می یابد. هیچ دلیلی وجود ندارد کسانی که شخصاً از امتیازات اعطا شده - که با واسطه شرکت ها و تراست ها منتفع و بهره مند می شوند- تعهد ارائه اطلاعات اولیه در مورد هویت خود را نپذیرند.

چارچوب های حقوقی جهانی می توانند برای ستاندن مالیات از شرکتهای چند ملیتی بر اساس جایی که در واقع درآمد کسب می کنند و سود تولید می کنند، تنظیم و ایجاد شوند. سیاست های این چنینی می تواند در یک بازه زمانی نسبتاً کوتاه اجرا شود. مانع اصلی در مسیر پیشرفت در جهت دستیابی به این اهداف، فقدان اراده سیاسی دولت های برجسته عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی سازمان ملل متحد (OECD)، به ویژه سوئیس، ایالات متحده آمریکا و انگلیس است، که همگی مأمور سرمایه های پروازی و در واقع رهبران بهشت های مالیاتی هستند.

<sup>1</sup>- Tax evasion



### Resources

1. Baker, R. (2005). *Capitalism's Achilles Heel*. Hoboken, New
2. Boyce, J.K. and Ndikumana, L. (2005). "Africa's Debt: Who Owes Whom?" in Epstein, G.A., *Capital Flight and Capital Controls in Developing Countries*. Cheltenham: Edward Elgar
3. Brittain-Catlin, W. (2005). *Offshore: The Dark Side of the Global Economy*. New York: Farrar, Strauss and Giroux, p. 55-76.
4. Christensen, J. and Hampton, M.P. (1999). "A Legislature for Hire: The Capture of the State in Jersey's Offshore Finance Centre", in Hampton, M.P.
5. Cobham, A. (2005). "Tax Evasion, Tax Avoidance and Development Finance". Queen Elizabeth House Working Paper Series No. 129, Oxford.
6. Guha, K. (2006). "Globalization. A share of the spoils: why policymakers fear 'lumpy' growth may not benefit all", *Financial Times*, 28 August, p. 11nd Abbott, J.P, op cit.
7. Haarbrink Joyce's article on sexual and reproductive health and rights in this Report, Boston Consulting Group (2003). "Global Wealth Report.
8. Jersey: John Wiley & Sons. ..Africa Confidential (2007). "Tax Havens: Financial secrecy – profits from the Laundry". Vol. 48, No. 6, 16 March
9. Joly Eva: Le G 8 Ne lutte pas vraiment contre la corruption". Interview in La Tribune, 6 June 2007.
10. Palan, R. (1999). "Offshore and the Structural Enablement of Sovereignty", in Hampton, M.P. and Abbott, J.P. (eds). *Offshore Finance Centers and Tax Havens: The Rise of Global Capital*. Basingstoke: MacMillan.
11. Perry, G.E., Lopez, J.H., Maloney, W.F., Arias, O. and Serven, L. (2006). *Poverty Reduction and Growth: Virtuous and Vicious Circles*. The World Bank, p. 101
12. "The Other Side of the Coin: the UK and Corruption in Africa". A report by the UK Africa All Party Parliamentary Group, March 2006, p. 14.
13. US Senate (2006). *Tax Haven Abuses: The Enablers, the Tools and Secrecy*. Permanent Subcommittee on Investigations